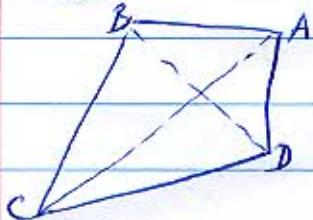


$$\text{تقریب (ریزگران)} \quad \frac{\pi}{n} \quad \text{محدودت} \quad \frac{\pi}{n} \quad \text{نمایش} \quad \frac{\pi}{n}$$

۲۵. با استفاده از مفهوم نسبت ضمیری و مفهوم مطالعه ماتریس: اگر  $ABCD$  یک ماتریس ۴x۴ باشد،



$$AB \times CD + BC \times AD = AC \times BD$$

۲۶. "قضیه خیاگرس" هنرمند را بصورت زیر نشان کرد: اگر  $\triangle ABC$  و محدودت  $A_1B_1C_1$  باشند

باشد ~~و~~ طبق اضلاع قابل نظریه  $A_1B_1C_1$  را بترتیب  $a, b, c$  می‌نامیم، در این:

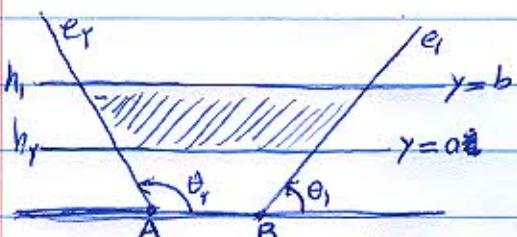
$$\cosh a = (\cosh b)(\cosh c)$$

و حجتی که تا قدر دیدم این اتفاق صیغه خیاگرس (خطی) نباشد.

۲۷. محدودت هنرمند  $\Omega$  مغلق  $\Omega$  بود آن دارای چنان گزینشی که در خود را سه هنرمند مطابق از  $P$  نامی کنند که درینجاست این مغلق  $\Omega$  بسازند. این هنرمند

حاصله هنرمند  $P$  از آن را محدودت با  $\ln(\ln P)$  نمایش می‌دهند.

۲۸. محدوده  $R$  مجموعه  $R$  بود - مجموعه  $R$  هنرمند  $P$  را باشند.



۲۹. بحث مجموعه "ذبذقه" نزدیک  $H$  را

نمایش کنید. در این مجموعه  $h_1, h_2, h_3$  درینجا سه محدوده می‌باشند و  $e_1, e_2, e_3$  نیز محدوده می‌باشند.

۳۰. تابع  $f(z) = \frac{z-2}{1-z^2}$  در  $D$  تابعی است. درینجا  $D$  هنرمند است.

نایاب است. ریزگران را بخواهند.

۳۱. فرض کنید  $f: D \rightarrow D$  یک تابع است و  $f(z) = 0$  در  $D$  صدیده ای باشد.

۳۲.  $f(z) = \frac{z-2}{1-z^2}$  تابعی است.  $f(z) = 0$  در  $D$  نیافرایی نیست.

$$B(z) = \sqrt{z^m} \prod_{k=1}^m \left( \frac{z-2_k}{1-z_k^2} \right), |k|=l, m \in \mathbb{Z}, |z_k| \neq 1$$

طبق تابعی  $B(z)$  می‌باشد:  $B\left(\frac{1}{z}\right) = \frac{1}{B(z)}$

(۱)  $B(\bar{z}-1) \subset \bar{z}-D$ ,  $B(z) \subset z-D$  باشند، بنابراین  $B(z)$  تابعی است.

باشد و همچو در نظریه  $f(z)$  تابعی است. (بنابراین  $f(z)$  تابعی است.)

(۲) تابع  $f(z)$  تابعی است.  $f(z) = f(z) - f(0) + f(0)$  تابعی است.  $f(z) - f(0) \subset z-D$  تابعی است.

نتیجه است. (راهنمایی:  $f\left(\frac{1}{z}\right) = \frac{1}{z} - 2$  تابعی است.)

۳۳. (تعمیم مولر) فرض کنی  $f: D \rightarrow D$  همگزانت و  $f(z_k) = 0$  برای  $k=1, \dots, n$ . اگر  $|f'(z)| \leq \prod_{k=1}^n \frac{|z - z_k|}{|1 - z_k z|}$  باشد، آنچه زیرا شد، میتوان کنست؟

آگر برای این نتیجه  $z \neq z_k$  برای  $k=1, \dots, n$  داشته باشد، میتوان کنست که  $\sum_{n=0}^{\infty} c_n z^n$  که را (Pringsheim) نوشت، مخصوصاً خطیقه مسنه دارد. این نتیجه از دو دلایل تحریکی تواند  $f$  را بقطع اعماق این طور کند.

۳۴. (حدیقه Hadamard) فرض کنی  $f(z) = \sum_{n=0}^{\infty} c_n z^n$  برای است و  $c_0 \neq 0$ . اگر  $n=k$  که طبق شرط  $\sum_{n=k+1}^{\infty} |c_n| n! \geq 1 + \delta$  است ( $\delta > 0$  ثابت). ثن  $\liminf_{z \rightarrow 0} f(z)$  کاملاً نهایت درست است (که بالا رایج تر است). برای کلی بیان (فقط) طرفه ترسیم دارد (راهنمایی): دلیل تحریکی بیان  $(w = f(z))$  و دادن  $w$  که در  $D$  تابعی باشد که  $f(z) = w$  برای  $z \in D$  باشد (ساده طریق) میتواند  $f(z) = w$  در  $D$  باشد. از اینکه  $f'(z) = \sum_{n=1}^{\infty} n c_n z^{n-1}$  داشت،

هرگزست).

۳۵. ثن  $\sum_{n=0}^{\infty} a_n z^n$  تعریف شده، و تردید سرگردانی کن (که مجموع  $= 1/z$  باشد) باشد:

$$(a) \sum_{n=1}^{\infty} \frac{1}{n!} z^n, \quad (b) \sum_{n=0}^{\infty} z^n, \quad (c) \sum_{n=0}^{\infty} \frac{1}{n!} z^{n+1}$$

۳۶. فرض کنی  $f: D \rightarrow C$  بجای  $f: D \rightarrow C$

$$|z| < 1, \quad f(z) = z + a_1 z^2 + a_2 z^3 + \dots \quad (\text{خطای عالی خود})$$

است. ثن  $\lim_{z \rightarrow 0} f(z) = 0$  گردد. باز بیان  $\frac{1}{z}$  عمل  $0$  را زاید نگیرد.

۳۷. درایم هدوف که بجای  $C \rightarrow C$  و  $f$  را تفاضل دنیم (هرچند که برای  $z, w \in D$  برای داشت)

این  $f(z) + g(z) = f(z) - g(z)$  باشد:

$$f(z) = z + a_1 z^2 + \dots, \quad g(z) = 1 + b_1 z + b_2 z^2 + \dots \quad (z \in C)$$

با تعقیب نسبت  $\sum_{n=1}^{\infty} n(|a_n| + |b_n|) < 1$  (Grönwall) میتوان کنست:

۳۸. فرض کنی  $f: D \rightarrow U$  که  $f(z) = 0$  باشد. و  $g: D \rightarrow U$  باشد.

(خواهش برای  $g(z) = 0$  داشت)  $0 < r < 1$  تا  $rC \subset D$  باشد (لایم)  $g(rz) = 0$ .

آنچه  $U$  برای  $g(z)$  از داده هنوز نیست که  $f: U \rightarrow D$  و  $U \neq C$  است که  $f$  که مدعی بخشی کند

$f(z) = 0$  باشد. اگر  $U$  محدود است در دلایل این  $U \rightarrow D$  و  $g(z) = 0$  باشد (این دلایل این دلایل است).

آنچه  $t \in \mathbb{R}$  داشت  $g = e^{it} f$  = خطای عالی که نسبت  $|g'(t)|/|f'(t)|$  را داشت.

۳۹. فرض کنی  $U$  را دوباره باره بیند و داشته باشد که  $U \subset D$  باشد و  $U \rightarrow U$  باشد.

اگر  $f: U \rightarrow U$  باشد (این دلایل این دلایل است)  $f$  را خطای عالی داشت (این دلایل این دلایل است):

(الف) اگر  $f$  بُعدی از  $\mathbb{R}$  باشد،  $f$  خواست

(ب) اگر  $f(z) = z$  باشد،  $f$  خواست

(پ) اگر  $f(z) = f_0(z)$  باشد،  $f$  خواست

(ت) اگر  $f(z) = f_1(z)$  باشد،  $f$  خواست

(رش) اگر  $f$  محدود است،  $f$  خواست

رشدی خواهد بود  $f = f_0 + f_1$  خواست

رشدی خواهد بود  $f = f_0 \circ f_1$  خواست

رشدی خواهد بود  $f = f_0 + f_1$  خواست

رشدی خواهد بود  $f = f_0 + f_1$  خواست

رشدی خواهد بود  $f = f_0 + f_1$  خواست

(الف) اگر  $f$  محدود باشد،  $f$  خواست

(ب) اگر  $f$  محدود باشد،  $f$  خواست

رشدی خواهد بود  $f: D \rightarrow \mathbb{C} - \{0\}$  خواست

رشدی خواهد بود  $f: D \rightarrow \mathbb{C} - \{0\}$  خواست

رشدی خواهد بود  $a < r < b$  خواست

$$h(r) = \alpha \log r + \beta$$

رشدی خواهد بود  $D$  باشد

$$P(e^{it}, re^{i\theta}) = \sum_{n=-\infty}^{\infty} r^n n! e^{in(t-\theta)}$$

رشدی خواهد بود  $0 \leq r \leq 1$  باشد

رشدی خواهد بود  $A \rightarrow C$  باشد

$$\int_0^\pi h(re^{it}) dt = \alpha \log r + \beta$$

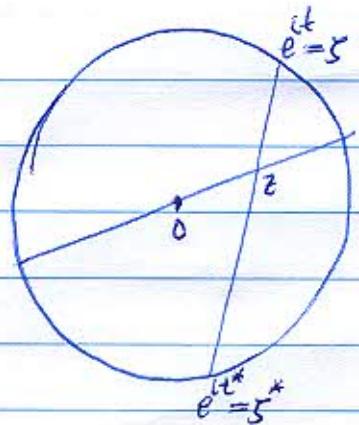
رشدی خواهد بود  $h$  باشد

رشدی خواهد بود  $A \rightarrow \mathbb{R}$  باشد

رشدی خواهد بود  $B_r(0) \subset U$  باشد

$$h(r) = \frac{1}{\pi r} \iint_{B_r(0)} h(s) ds$$

(ج)  $s = e^{it} \in D$  باشد،  $s$  را در  $D$  قطعی کن و داشته باشیم



لما  $z = e^{it}$  راح تجيء على دفتركته  
دافتراكته

$$\frac{d\theta^*}{d\theta} = \frac{1 - |z|^2}{|e^{it} - z|^2}$$

$$1 - |z|^2 = |e^{it} - z| |e^{-it} - \bar{z}|$$

$$= -(e^{it} - z)(\bar{e}^{-it} - \bar{z})$$

دافتراكته

$$h(z) = \frac{1}{2\pi} \int_{-\pi}^{\pi} h(e^{it}) dt$$

فلا  $\int_{-\pi}^{\pi} |h(e^{it})| dt < \infty$  (دوريه)  $h \in L^1(\partial D)$  (أو)  
ويمكننا  $\bar{a} = \lim_{t \rightarrow t_0^-} h(e^{it})$  ،  $a^+ = \lim_{t \rightarrow t_0^+} h(e^{it})$  :

$$\lim_{\tau \rightarrow 0} \lim_{t_0 \rightarrow t} P[h](\tau \zeta) = \frac{1}{\tau} (a^+ + \bar{a})$$

(أو): أين  $\zeta = e^{it}$  (رس دواله)  $\zeta$  درجه برهانه (أي  $\zeta$  نظره) . باز  $I$

$$h_I = h \cdot x_I + h_J = h \cdot Z_I + J = I^+ \cup I^-$$

$$h_I = h \cdot x_I - \int_{I^+}^{I^-} h(e^{it}) dt = \int_{I^+}^{I^-} h(e^{it}) dt$$